



پخشان عزیزی به جرم مددسازی به قربانیان داعش در سوریه، محکوم به مرگ در ایران
پخشان عزیزی زنی از نماد جنبش "ژین، ژیان، آزادی" است. اکنون به همین جرم در زیر چوبه‌ی
دار حکومت اسلامی ایران است. روز چهارشنبه ۱۹ دی ۱۴۰۳ (نهم ژانویه ۲۰۲۵) امیر آقای
ریبسیان وکیل پخشان عزیزی ضمن اعلام خبر تایید حکم قتل حکومتی پخشان عزیزی در دیوان عالی
کشور، در شبکه اجتماعی ایکس گزارش داد که این حکم در حالی تایید شد که پخشان عزیزی «نه در
گروه‌های نظامی عضو بوده و نه فعالیت نظامی داشته است.»

امیر رئیس‌یان در ادامه نوشت که «این حکم در تعارض با دادرسی منصفانه و بی‌توجه به ایرادات
پرونده صادر شده و امروز به ما ابلاغ شد». این حکم غیر انسانی، در ادامه کشتارهای خوفناک
حکومت ایران سرشار از تناقض و حتا قوانین حکومت اسلامی است.

پخشان عزیزی، دانش آموخته رشته مددکاری اجتماعی مانند وریشه مرادی، در تاریخ ۱۳ مرداد
۱۴۰۲ (۴ اوت ۲۰۲۳) توسط سپاه پاسداران حکومت اسلامی در ایران دستگیر شد و از آن زمان تا

کنون بیش از یک سال در اسارت‌گاه‌های حکومت اسلامی زیر شکنجه قرار گرفته است. جرم پخشان عزیزی و وریشه مرادی، مددسانی به قربانیان جنایات داعش در روژآوای سوریه است. دیوان عالی قضایی حکومت اسلامی هر دو را به این جرم به کیفر مرگ با چوبه‌ی دار محکوم کرده است. پخشان عزیزی، روز ۳۱ تیر ۱۴۰۳ (۲۰ ژوئیه ۲۰۲۴) در [نامه‌ای از زندان](#) اوین، با اشاره به شکنجه‌های خود به دست سازمان اطلاعات و امنیتی سپاه نوشت: «بارها به دست بازجویان به دار کشیده شده‌ام.» او در ادامه نوشت: «...تمامی فعالیت و تلاشم در راستای خدمت رسانی و ادای دین تاریخی نسبت به تجارب زیسته‌ام و سرکوب‌های تاریخی‌ام بوده که صد البته اعتقاد راسخ دارم به این که راه درست رسیدن به یک جامعه دموکراتیک نیز اساساً از اتخاذ شیوه‌ای دموکراتیک برای بر ساخت جامعه اخلاقی – سیاسی‌ای است که مردم خود مسائل اجتماعی را به مشورت می‌گذارند، دغدغه‌شان کنند و راه حل بیابند.»

پخشان عزیزی پس از بازداشت، بیش از چهار ماه در سلول انفرادی در بند ۲۰۹ زندان اوین (زیر نظر وزارت اطلاعات) تحت شکنجه‌های گوناگون قرار گرفت و به مدت ۳۶ روز در اعتصاب غذا بود تا برای آزادی خانواده‌اش که همزمان با او دستگیر شده بودند، اقدام کند. او را بارها در بازجویی به دار می‌کشند، او را ده متر به [قعر زمین فرو](#) می‌برند و باز بیرون می‌آورند تا پخشان را به اعتراف دیکته شده از سوی بازجو در بشکنند.

بنا بر [گزارش‌های موثق](#)، بازپرس نخست پرونده پخشان عزیزی پس از دستگیری، فردی به نام مظلوم بود که در پایان ماه نخست بازداشت او با ملاحظه پرونده و مستندات وزارت اطلاعات، حاضر به تمدید قرار بازداشت نشده و تصمیم به صدور قرار آزادی پخشان عزیزی گرفت.

وزارت اطلاعات این حکم آزادی را نپذیرفت و دادستانی تحت فشار سازمان اطلاعات سپاه پاسداران قرار گرفت. به دستور دادستانی تهران، پرونده از بازپرس نخست گرفته شد و به علی قناعت‌کار در شعبه اول دادرسی اوین سپرده شد. قناعت‌کار نیز هیچ دلیلی برای مجرمیت پخشان عزیزی و تمدید

قرار بازداشت او نیافت و دستور آزادی پخشان عزیزی با قرار وثیقه را صادر کرد. در متن صادره آمده است: «ادامه بازداشت مصلحت نبوده و پیشنهاد فک قرار بازداشت موقت و صدور قرار تامین وثیقه را دارم». سازمان اطلاعات سپاه که بند ۲۰۹ و زندان‌های مخفی دیگر مخصوص به خود را در اختیار دارد، این حکم را نپذیرفت و دستور به محکومیت پخشان عزیزی داد.

پخشان عزیزی زیر شکنجه تا پای مرگ، هرگز تن به اعترافات اجباری و همکاری با حکومت اسلامی نداد و بر دفاعیات خود پافشاری کرد که اتهامات وارده و ادعاهای وزارت اطلاعات غیر واقعی و پرونده‌سازی است. در تاریخ ۲ مرداد ۱۴۰۳ (۲۳ ژوئیه ۲۰۲۴)، پخشان عزیزی با حکم ایمان افشاری (قاضی مرگ)، رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران، به اتهام «بغی» به مرگ محکوم شد.

پخشان عزیزی، نزدیک به ده سال در اردوگاه‌های آوارگان جنگ داعش در شمال شرق سوریه (روژآوا)، از جمله بیش از سه سال در اردوگاه «نوروز» در شهر دیرک، به امدادسانی به قربانیان تجاوز و تهاجم داعش پرداخته بود. او این وظیفه را به‌مانند وریشه مرادی و صدها زن دیگر که از سراسر جهان به یاری آمده بودند، به عهده گرفته بود تا به زنان و کودکان آسیب‌دیده از جنایت‌ها و تهاجم‌های داعش کمک کند.

هلال احمر گُردستان در منطقه شمال شرق سوریه و «سازمان توانبخشی و توسعه شمس» در نامه‌هایی به مقامات حکومتی ایران و نهادهای بین‌المللی، این فعالیت‌ها را تایید کرده‌اند. مایا هس، رئیس سازمان «مدیکو اینترنشنال» سوئیس، در نامه‌ای که در تاریخ ۲۹ شهریور ۱۴۰۳ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴) صادر شده، تاکید کرده است که عزیزی به طور ویژه به زنان و کودکانی که ناچار به ترک خانه‌های خود شده بودند، خدمات اجتماعی ارائه کرده است. این اسناد و ارگان‌ها گواهی می‌دهند که پخشان عزیزی به‌عنوان مددکار اجتماعی به یاری قربانیان داعش پرداخته است.

جرم پخشان عزیزی

پخشان و وریشه زمانی به کمک قربانیان در شمال شرق سوریه شتافته بودند که داعش برای برپایی حکومت اسلامی خود در عراق و شام، کل خاورمیانه را هدف قرار داده بود. حکومت فاشیستی ترکیه از همان سال ۲۰۱۲ به پشتیبانی نظامی از داعش پرداخته بود. زنان ایزدی در بازارهای برده‌فروشی در شهرهای رقع، شنگال، طبقا، منبج، کوبانی و دیگر مناطق زیر اشغال، به‌طور وحشیانه‌ای در برابر چند دلار به فروش می‌رسیدند.

جهان و امدار مقاومت شکوهمندانه

به هزینه شهادت بیش از پانزده هزار انسان رزمنده و انقلابی، کوبانی، رقع و دیگر مناطق اشغالی از دست داعشیان پاکسازی شدند و هزاران زن و دختر زخم‌خورده از زنجیر داعشیان آزاد شدند. هزینه این پاکسازی‌ها و آزادی‌ها به بهای جان بیش از پانزده هزار نیروهای مقاومت و رزمنده بود. گورستان‌های عظیم در کوبانی و دیگر شهرهای روژآوا گواه این مقاومت و قهرمانی تاریخی هستند. این جان‌های عزیز و مقاومت شکوهمندانه تاریخی، نه تنها برای برقراری امنیت در سوریه و خاورمیانه، بلکه امنیت جوامع غربی از تبهکاری‌های داعش و حامیان آن هزینه شدند. جهان و امدار مقاومت یگانهای زنان و مردان و مقاومت قهرمانانه در شنگال و شمال و شرق و خودمدیریتی این سامان است.

جرم پخشان عزیزی و وریشه مرادی با ایمان به فلسفه‌ی «ژین، ژیان، آزادی» و امدارسانی انسانی به شمال سوریه بوده است. آنان به‌سان هر انسان آزاده‌ای، از آنجا که انسانیت و وظایف انسانی مرزی نمی‌شناسند، وظیفه خود دانستند که به یاری نیازمندان بشتابند. پخشان و وریشه با این ذهنیت به ایران بازگشتند که هیچ‌گاه در مبارزات مسلحانه شرکت نکرده بودند و تنها سلاح آنان دانش و مسئولیت‌پذیری در مددکاری اجتماعی بود. از خودگذشتگی و مددکاری آنان باید مورد ستایش و قدردانی قرار می‌گرفت. اما حکومت اسلامی بنا به نگرش داعشی و طالبانی خود، آنان را دستگیر و زیر شکنجه برد و اینک به قتل با چوبه‌ی دار محکوم کرده است. به آشکارا حکومت اسلامی در

ایران به نمایندگی از داعش چنین جنایتی را برنامه ریزی کرده است. هدف حاکمان در ایران، ایجاد هراس در جامعه‌ی و انتقام از جنبش‌گران ژین، ژیان، آزادی و از زنانی است که به اجبار تن نمی‌سپارند.

محکومیت پخش‌ان عزیز و وریشه مرادی به مرگ، به جای آزادی و ستایش، به وضوح بیانگر آن است که حکومت اسلامی ایران به‌نماینده‌ی از داعش چنین جنایتی را برنامه‌ریزی کرده است و از پخش‌ان و وریشه‌ها انتقام می‌گیرد. هدف رژیم ایران، انتقام از جنبش «ژین، ژیان، آزادی» و از زنانی است که به بردگی و اجبار تن نمی‌سپارند. حکومت اسلامی ایران، حکومت قتل‌عام، نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت است.

اکنون پخش‌ان عزیز در زیر طناب دار ایستاده است. برای جلوگیری از این حکم ضد انسانی و داعشی در برابر انسانیت و تاریخ وظیفه‌مندیم تا با تمامی توان و امکانات موجود استفاده کرد. وظیفه هر انسان آزادیخواه و آزاده‌ای است که به هر وسیله‌ای از قتل حکومتی پخش‌ان عزیز، وریشه مرادی و ده‌ها انسان اسیر و سیاسی زیر چوبه‌ی دار جلوگیری کند و خواهان آزادی آنان باشد.

عباس منصوران

دهم ژانویه ۲۰۲۵

